

نگاهی به حیات اجتماعی شهر باستانی سیمره از شکل‌گیری تا فروپاشی^۱

محسن سعادت^۱، حسین ناصری صومعه^{II}

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.5986.1249

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

(از ص ۱۶۳ تا ۱۸۰)

چکیده

I. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس؛ و کارشناس مرکز باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (نویسنده‌ی مسئول).
m.saadati69@gmail.com
II. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

منطقه‌ی ایلام از جمله مناطقی است که در زمینه‌ی آثار باستانی، بناهای درخور توجهی را از نظر پراکندگی و تعدد بی‌شمار این آثار، در خود جای داده که نشان‌دهنده‌ی اهمیت موقعیت سوق‌الجیشی آن در طول تاریخ است. از جمله‌ی این آثار شهرهای باستانی بوده که تاکنون بر روی آن‌ها بررسی علمی و باستان‌شناسانه صورت نگرفته و به صورت ناشناخته باقی مانده است. از جمله‌ی این شهرها، شهر باستانی سیمره‌ی دره‌شهر است که با توجه به کاوش‌هایی که طی سال‌های اخیر در آن انجام گرفت، داده‌های باستان‌شناختی آن اطلاعات ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران قرار داد. داده‌های باستان‌شناسی ضمن تأیید اطلاعات تاریخی از تداوم حیات این شهر از دوره‌ی ساسانی تا قرون اولیه‌ی اسلامی حکایت دارند. در اینجا با مطالعه‌ی داده‌های باستان‌شناسی و مطابقت آن‌ها با داده‌های تاریخی و زمین‌شناسی که تاریخی را برای فروپاشی این شهر باستانی که بیشتر مورخان به اوج آن اشاره کرده‌اند، پرداخته خواهد شد. هدف از انجام این پژوهش، بررسی تحولات شکل‌گیری سیمره و تغییرات احتمالی که در طول تأسیس این شهر رخ داده و همچنین علت اصلی نابودی این شهر با توجه به داده‌های قابل دسترس، اعم از: اطلاعات زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی و داده‌های باستان‌شناسی می‌باشد. در این پژوهش، داده‌ها به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و پژوهش به روش توصیفی تاریخی-تحلیلی صورت گرفته است. بر همین اساس، دو پرسش مطرح می‌شود: وضعیت سکونت در شهر سیمره چگونه است و به چه زمانی می‌رسد؟ با وجود اهمیت و موقعیت جغرافیایی سیمره، با توجه به اطلاعات زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی و داده‌های باستان‌شناسی، علت اصلی متروک شدن سیمره چیست؟ به طور کلی مشخص گردید که شهری با این چنین بستر جغرافیایی و تاریخی معتبر، به ناگاه متروک شده است. در نتیجه، بر مبنای متون تاریخی و جغرافیایی، داده‌های باستان‌شناسی و اطلاعات زمین‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که شهر در قرون اولیه‌ی اسلامی در سال ۲۵۸ ه.ق. در اثر زلزله‌ای به صورت کلی ویران و نابود می‌شود.

کلیدواژگان: استان ایلام، شهر باستانی سیمره، شکل‌گیری، فروپاشی.

مقدمه

استان ایلام در دوران باستان به جهت نزدیکی به تیسفون و محل گذر به خوزستان و فارس، دارای آثار بی‌شماری مربوط به این دوره است. از جمله‌ی این آثار، شهرهای باستانی آن است؛ از جمله‌ی این شهرها می‌توان به شهرهای باستانی سیمره، سیروان، جولیان و دربند اشاره کرد که اکثر باستان‌شناسان این شهرها را به دوران تاریخی نسبت داده‌اند. اما در سال‌های اخیر با توجه به پژوهش‌هایی که در برخی از شهرها، به‌ویژه شهر باستانی سیمره صورت گرفته، انتساب دوره‌ای آن، علاوه بر دوران تاریخی، دوران اسلامی را نیز شامل می‌شود (لک‌پور، ۱۳۸۹). حیات اجتماعی و سیاسی دوره ساسانی که نمود آن در شهرسازی این دوره نمایان است تا هنگام استیلای اسلام بر نواحی از غرب ایران و نیز انبوه اطلاعات تاریخی و جغرافیایی در خصوص شهر سیمره، دلیل منطقی برای مطالعه بر روی این شهر از زمان شکل‌گیری تا اضمحلال آن بوده است.

موقعیت خاص سیاسی و منطقه‌ای استان ایلام در دوره‌ی ساسانی و سده‌های نخست اسلامی و نقش شهرها در تحولات اجتماعی و نیز تبیین ویژگی‌های جامعه‌شناختی شهرهای این دوران از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در این مقاله است. جغرافیای سیاسی و تاریخی استان ایلام با توجه به محل برخورد و کشمکش گروه‌های سیاسی و حکومت‌های مهم و حضور شهرهای مهم و ناشناخته در این منطقه، فضایی مناسب را برای بررسی تحولات اجتماعی این حوزه‌ی جغرافیایی در دوره‌ی ساسانی و سده‌های نخست اسلامی را فراهم کرده است.

پرسش‌ها و فرضیات پژوهش: بی‌تردید داده‌های باستان‌شناسی به همراه متون تاریخی را مطمئن‌ترین منابع در بازیابی سازمان فضایی شهرهای باستانی به شمار آورد. این دو منبع به شکل مؤثری می‌تواند در تشخیص تحولات مرتبط با شکل‌گیری، رشد و گسترش، استمرار و یا انهدام شهر مورد استفاده واقع شوند. در اینجا سعی خواهد شد با توجه به موضوع مورد بحث به پرسش‌های ذیل در رابطه با شهر سیمره پاسخ داده شود؛ وضعیت سکونت در شهر سیمره چگونه است و به چه زمانی می‌رسد؟ باوجود اهمیت و موقعیت جغرافیایی سیمره، با توجه به اطلاعات زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی و داده‌های باستان‌شناسی، علت اصلی متروک شدن سیمره چیست؟

اهداف و ضرورت پژوهش: هدف از انجام این پژوهش، مشخص نمودن زمان ایجاد شهر سیمره و تغییرات احتمالی که در طول شکل‌گیری این شهر رخ داده و همچنین علت اصلی نابودی این شهر با توجه به داده‌های قابل دسترس، اعم از اطلاعات زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی و داده‌های باستان‌شناسی می‌باشد. از نظر متون تاریخی، احداث شهر سیمره در طول دوره‌ی ساسانی بوده، که در نتیجه به ورود اسلام و به دنبال آن، تغییر و تحولات صورت گرفته، منجر به رشد و گسترش شهر در دوران اسلامی گردیده است؛ اما با توجه به نوشته‌های متون تاریخی و جغرافیایی و داده‌های باستان‌شناسی و سرانجام اطلاعات زمین‌شناسی، شهر سیمره بر اثر زلزله‌ی مهیبی، متروک شده است.

روش پژوهش: در این پژوهش، سعی شده است به‌منظور کسب اطلاع از زمینه‌های شکل‌گیری و فروپاشی یک شهر باستانی و انجام یک تجزیه و تحلیل بنیادی در رابطه با زمینه‌های مناسب ایجاد شهر سیمره و نابودی آن به یک نتیجه‌ای جامع منتهی شود. بر این اساس، داده‌های پژوهش با دو روش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده و پژوهش به روش توصیفی-تاریخی-تحلیلی صورت گرفته و تحلیل‌ها بر پایه‌ی مقایسه‌ی تطبیقی به انجام رسیده است. قبل از مطالعه و بررسی شهر مورد نظر، ابتدا در مورد بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی این شهر، شامل بسترهای جغرافیایی و تاریخی آن بحث خواهد شد؛ سپس داده‌ها و شواهد باستان‌شناختی این شهر و در ادامه، اطلاعات مهم زمین‌شناختی در رابطه با این منطقه مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و در پایان نیز به یک نتیجه‌ی جامع در ارتباط با موضوع مورد بحث، پرداخته خواهد شد.

پیشینه‌ی پژوهش‌های باستان‌شناختی

شهر باستانی سیمره با توجه به تعدد فصول کاوش باستان‌شناسی، از لحاظ باستان‌شناسی حائز اهمیت فراوان است. در زمینه‌ی مطالعات باستان‌شناسی سیمره، باید اشاره کرد که ابتدا در سال ۱۳۶۲ ه.ش. هیأتی از باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی سیف‌الله کامبخش فرد به دره شهر اعزام شد و چند گمانه‌ی آزمایشی را در جهت تعیین عرصه و حریم این شهر انجام نمود؛ همچنین در این مطالعات برخی محوطه‌های باستانی اطراف نیز مورد بررسی قرار گرفت (کامبخش فرد، ۱۳۶۸). در سال ۱۳۷۴ ه.ش. اولین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر باستانی دره شهر به سرپرستی نصرالله معتمدی در محلی به نام «تپه میل» به مدت ۴۵ روز آغاز شد، که گزارشی از این کاوش به چاپ نرسیده است. در فصول بعدی کاوش‌های باستان‌شناسی در ۹ فصل پیاپی به سرپرستی سیمین لک‌پور از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۹ ه.ش. در شهر باستانی سیمره، ادامه‌ی کاوش و خاک‌برداری از خرابه‌های این شهر تاریخی انجام گردید (لک‌پور، ۱۳۸۹). از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ ه.ش. هیچ‌گونه کاوش باستان‌شناسی در سیمره انجام نپذیرفته است و در سال ۱۳۸۵ ه.ش. عملیات گمانه‌زنی به روش گمانه‌زنی علمی باستان‌شناسی با نقشه‌ی تعیین عرصه و حریم مصوبی که به صورت نظری ترسیم شده بود به سرپرستی بهزاد فریادیان به انجام رسیده است. در طی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ ه.ش. اولین فصل جدید کاوش‌های باستان‌شناسی دره شهر توسط بهزاد فریادیان انجام گردیده است (فریادیان، ۱۳۸۹).

بسترهای شکل‌گیری و فروپاشی

الف) بسترهای جغرافیایی: شهر دره شهر امروزی از توابع استان ایلام در عرض و طول جغرافیایی ۳۳ درجه و ۷ دقیقه، و ۴۷ درجه و ۲۱ دقیقه در ۱۴۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان ایلام و ۳۵ کیلومتری غرب شهرستان پل‌دختر و در جوار ویرانه‌های شهر قدیم که در غرب آن بنا شده است. دره شهر در مرز پشتکوه و پیشکوه، در دره‌ی سیمره قرار گرفته، کوه‌های مله یا مله‌افتو^۲ در حدود ۱۰

کیلومتری شمال و شمال شرق دره شهر با ارتفاع ۱۹۵۰ متر واقع شده است. از نظر موقعیتی، دره شهر در منطقه‌ی گرمسیری واقع شده و دارای تابستان گرم و طولانی و زمستان کوتاه و معتدل است و به طور معمول فصل زمستان با باد و طوفان شدید و باران‌های موسمی همراه است (لک‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰؛ فیضی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۳)، (تصاویر ۱ و ۲). بقایای شهر کهن دره شهر در مجاورت شهر جدید، که مدت مدیدی از تأسیس آن نمی‌گذرد، قرار دارد. وسعت آثار باقی مانده شهر کهن براساس مساحی و برداشت‌های انجام شده در حدود ۱۲۰ هکتار می‌باشد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱). در اثر توسعه‌ی شهرسازی و پیش‌روی ساخت‌وسازهای شهر جدید، بخش‌هایی از بقایای شهر کهن در زیر تأسیسات شهر جدید قرار گرفته و یا در اثر عوامل شهری تخریب شده است. این محوطه‌ی باستانی در طول تاریخ همواره مورد بازدید جهانگردان و ایرانگردان قرار گرفته و در اکثر سفرنامه‌ها تحت عنوان «شهری مربوط به دوره‌ی ساسانی و یا قدیم‌تر» نامیده و ذکر شده است (همان: ۱۲). سیمره در طول تاریخ به دلیل موقعیت جغرافیایی، طبیعی خود نقش مهمی در مناسبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میان ایران و بین‌النهرین ایفا می‌کند. در قرون اولیه‌ی اسلامی قرارگیری سیمره در مسیر جاده‌ی خراسان، و نزدیکی به مراکز شهری بین‌النهرین از یک سو، و نزدیکی به خوزستان و شهر شوش از سوی دیگر، ارتباطات و تعاملات فرهنگی گسترده‌ای را در این منطقه رقم زده است.

محدوده‌ی شهر باستانی سیمره در شهرستان دره شهر، به دلیل شرایط خاص جغرافیایی و واقع شدن در بخش غربی فلات ایران و کوهستان زاگرس، از معابر مهم شرق و غرب محسوب می‌گردد. این موقعیت موجب شد تا منطقه در دوران استقرار در مسیر تبادل و تهاجم فرهنگ‌ها و تمدن‌ها قرار گیرد و جمعیت به آن جذب شود؛ از جهتی دیگر، امتداد ناهمواری‌ها و قرار گرفتن در مسیر وزش توده‌های هوایی غربی و شمال غربی از میزان نزولات جوی مناسب برخوردار است. بارش کافی باعث شده تا



تصویر ۱. محدوده‌ی شهر سیمره در کنار شهر جدید دره شهر (سعادت، ۱۳۹۳: ۲۳۶). ◀



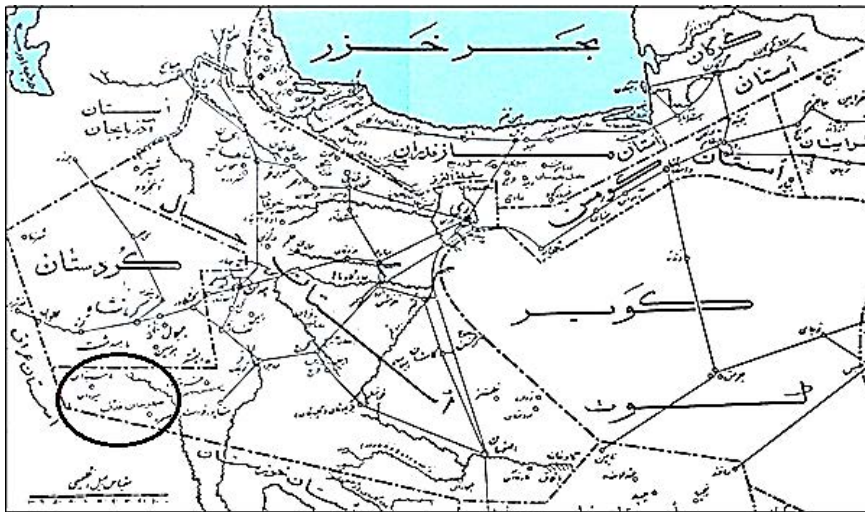
► تصویر ۲. تصویر هوایی گرفته شده از شهر باستانی سیمره توسط اشمیت، ۱۹۳۷ م. (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

رودهای مهم و پربابی در دامنه‌های غربی و جنوب غربی کوهستان زاگرس، به ویژه در منطقه‌ی سیمره جریان پیدا کند (محمودیان، ۱۳۸۸: ۳۶).

واقع شدن شهر سیمره در حدفاصل چهار پایتخت بزرگ ایران در ادوار باستانی، یعنی: شوش، تخت جمشید، هگمتانه و تیسفون، و لزوم ارتباط بین این شهرها، زمینه‌ی ایجاد جاده‌ها و راه‌ها را فراهم کرد. از جهتی دیگر، تعدد و تنوع آثار و ابنیه‌ی باستانی در این محدوده‌ی جغرافیایی نشانگر عظمت و اقتدار تمدن و فرهنگ دیرینه‌ی این سرزمین می‌باشد؛ از جمله‌ی این آثار می‌توان به پل‌های تاریخی و باستانی بر روی رودخانه‌ی سیمره اشاره نمود. منطقه‌ی سیمره از نظر پراکندگی پل‌های باستانی دارای اهمیت می‌باشد. پل‌های باستانی: گاومیشان، جایدر، چمنشت و بیژنوند بر روی رودخانه‌ی سیمره از جمله‌ی این بناها و سازه‌ها هستند که از نظر الگوی معماری دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند.

همچنین با توجه موقعیت ارتباطی سیمره که در متون تاریخی و جغرافیایی، از آن به عنوان «مرکز ایالت مهرجانقذق» یاد شده، فاصله‌ی آن با منازل دیگر به ثبت رسیده است. به گونه‌ای که ابن حوقل فاصله‌ی میان صیمره و سیروان را در دو مرحله یا مسیر معرفی می‌کند (ابن حوقل، ۱۳۶۴: ۴۸۹). در البلدان، یعقوبی نیز ماسبندان و مهرجانقذق را جدا می‌کند و صیمره را شهرستانی معروف به مهرجانقذق می‌داند؛ همچنین وی می‌نویسد: «از شهر سیروان تا شهر صیمره که شهرستانی معروف به مهرجانقذق دو منزل راه است، و شهر صیمره در مرج افیح واقع است...» (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۴). گای لسترنج در کتاب خود بیان می‌کند که در پنجاه مابلی خاوری ماسبندان شهر صیمره که با سیروان بی‌شبهت نبوده، قرار داشت (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۱۸)، (نقشه ۱). مقدسی نیز در خصوص موقعیت و راه دسترسی سیمره با شهرهای همجوار بیان می‌کند که: «شهر سیمره و شهر سیروان را تا بغداد به یک اندازه دانسته است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۸۹).

ب) بسترهای تاریخی: یکی از راه‌های مطالعه‌ی شهرهای تاریخی - به ویژه شهر باستانی سیمره - بهره‌گیری و استفاده از متون تاریخی و جغرافیایی است؛ بدیهی ست



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی سیمره در کنار مهرجانقذق، سیروان و ماسبدان در نقشه (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۳). ◀

که تلفیق منابع تاریخی و جغرافیایی و نتایج پژوهش‌های باستان‌شناسی و اطلاعات زمین‌شناسی، اطلاعات مهمی از تحولات تاریخی شهر، به‌ویژه دلایل اضمحلال و نابودی آن در اختیار ما قرار می‌دهد. شهر باستانی سیمره، یکی از مهم‌ترین شهرهای قرون اولیه‌ی اسلامی ایران در جنوب غرب ایران به‌شمار می‌آید. بیشترین اطلاعات ما از شهر سیمره، به‌واسطه‌ی مطالعه‌ی نوشته‌های جغرافی‌نویسان قرون اولیه‌ی اسلامی به‌دست آمده است. در اکثر موارد، مورخین درخصوص شهر سیمره به سه موضوع: محصولات کشاورزی، آبادانی شهر و ویرانی آن اشاره می‌کنند. به‌نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی این شهر و قرارگیری در نزدیکی تمدن بین‌النهرین، باعث شده تا این شهر همواره مورد توجه مورخین و جغرافی‌نویسان قرارگیرد (ابن حوقل، ۱۳۴۵؛ اصطخری، ۱۳۶۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴؛ طبری، ۱۳۵۳). به منطقه‌ی سیمره در منابع و متون تاریخی اشارات فراوانی شده که مهم‌ترین آن‌ها شامل کتاب‌های التنبیه‌الاشراف مسعودی (۱۳۴۹)، اخبار الطول دینوری (۱۳۶۴)، تاریخ طبری (۱۳۵۳)، تجارب‌الامم مسکویه (۱۳۷۵) و تاریخ کامل ابن‌اثیر (۱۳۴۹) است. مورخین نام‌برده درخصوص سیمره عموماً به دو نکته اشاره می‌کنند: نخست روند فتح منطقه‌ی سیمره توسط «ابوموسی اشعری» در خلال جنگ شوشتر و دوم زلزله‌ای که در سیمره رخ داده است.

ابن حوقل (۱۳۴۵: ۱۰۲)، اصطخری (۱۳۶۸: ۸۹) و ابن‌اثیر (۱۳۷۴: ۱۱۵) محل سیمره را در نقشه‌ی شمال غربی خوزستان نشان داده و آن را جزو «سرزمین جبال» نامیده که با موقعیت دره‌شهر کنونی مطابقت دارد. قابل‌قبول‌ترین نتیجه‌گیری از این نظریات، نوشته‌ی لسترنج است که مهرجانقذق را محیط بر سیمره دانسته است (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۱۸). ابن‌خرادادبه نیز سیروان را شهر ماسبدان و سیمره را شهر مهرجانقذق می‌داند (ابن‌خرادادبه، ۱۳۷۱: ۳۵) و آن را از کوره‌های جبال می‌داند (همان: ۲۴) و جز سرزمین پهلوی نمی‌داند (همان: ۴۳)؛ همچنین خراج ماسبدان و مهرجانقذق را سه میلیون و پانصد هزار درهم می‌داند (همان: ۳۵). ابن‌رسته در کتاب خود، الاعلاق‌النفیسه ماسبدان و مهرجانقذق را جزو خوره‌های منطقه‌ی

جبال آورده است (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۲۲). مؤلف ناشناخته‌ی حدودالعالم نیز سیمره را به املای «صیمره» نوشته و صیمره و سیروان را دو شهر آباد ناحیت جبال می‌داند (بی‌نا، ۱۳۴۲: ۴۰۶). وی در این خصوص چنین آورده است: «صیمره، سیروان دو شهرکند، آبادان و خرم و آن جا خرم باشد» (همان: ۴۱۰).

بیشترین اطلاعات درخصوص سیمره را می‌توان در کتاب البلدان یعقوبی یافت؛ بر این اساس درخصوص عرصه‌ی طبیعی منطقه و همچنین وجود مردمان عرب، عجم، فارس و کُرد در منطقه‌ی ماسبذان اشاره شده است (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۴). بلاذری نیز در کتاب فتوح البلدان، علاوه بر چگونگی فتح شهر به دست مسلمانان، اشاره می‌کند که شهر سیمره کرسی ایالت مهرجان‌قذق بوده است (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۳۴). ابن‌فقیه نیز در کتاب البلدان صیمره و ماسبذان را در زمره‌ی شهرهای جبال دانسته؛ وی در این خصوص چنین آورده است: «این ناحیه را، شهرهای پهلویان نامند. و آن‌ها همدان است و ماسبذان و مهرجان‌قذق، که صیمره (کمره) است» (ابن‌فقیه، ۱۳۷۹: ۲۳). البته لازم به اشاره است که صیمره‌ای که در نزهةالقلوب حمدالله مستوفی (۱۳۳۱: ۲۱۶) و یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان (۱۳۸۰: ۱۲۶) از شهر صیمره درحوالی بصره یاد می‌کنند؛ باید توجه داشت که این شهر با شهر سمیره‌ی مورد بحث (شهر دره‌شهر کنونی) متفاوت است.

در مورد تاریخ تأسیس شهر سیمره نیز از سوی پژوهشگران و باستان‌شناسان اظهارنظرهای متفاوتی ابراز شده است.

دمورگان آن‌را «ماداکتو» دومین پایتخت ایلام دانسته است (DeMorgan, 1896: 125)؛ همچنین راولینسون در مسیر خود به خوزستان از دره‌شهر عبور کرده و از خرابه‌های شهر سیمره به‌عنوان «شهر خسروپرویز» یاد می‌کند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۵). در این میان، اشتاین در مورد دره‌شهر گفته است: «این شهر مکانی تجارتنی نبوده، بلکه سکنه‌نشین و زراعی بوده است و در زمان ساسانیان آباد شده» (Stein, 1940: 207).

اما درباره‌ی ورود مسلمانان به این شهر این‌اثیر در شرح وقایع سال بیست و یکم هـ.ق آورده است: «چون ابوموسی اشعری از نهاوند بازگشت، به دینور گذشت و پنج روز بر سر آن ماند تا مردم آن با وی پیمان آشتی بستند، او رهسپار شد و در سیروان بر مردم آن فرود آمد که ایشان نیز پیمانی را برای آشتی همسان مردم دینور با وی بستند؛ او، سایب این اقرع‌ثقفی را به سیمره، شهر مهرجان‌قذق فرستاد که آن را به آشتی بگشود» (ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ۱۱۸). همچنین دینوری نیز در کتاب اخبار الطول در خلال جنگ شوشتر به روند فتح سیمره می‌پردازد. وی به خروج ابوموسی اشعری از بصره و جنگ با هرمزان در شوشتر و فرستادن منجوف بن ثور به مهرجان‌قذق اشاره می‌کند. در این کتاب، تنها توضیح اضافی درخصوص سیمره جریان کشف صندوقچه‌ی متعلق به هرمزان در منطقه‌ی سیمره است (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۶۷). علاوه بر این، نوشته‌های مورخان و جغرافی‌نویسان نیز به زلزله‌های منطقه و آثار و خرابی شهرها ناشی از زلزله اشاره می‌کند؛ به‌طور مثال، ابن‌اثیر نقل می‌کند «در این سال (۲۵۸ هـ.ق.) زمین لرزه‌ای مهیب در سیمره واقع شد و روز بعد سخت‌تر

بود که قسمت عمده‌ی شهرویران شد و دیوارها فرو ریخت و بیست هزار تن از اهالی را کشت « (ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۴۳۱۶). بلاذری نیز در کتاب فتوح البلدان بیان می‌کند که سیروان شهری عجیب بوده و به خرابه‌های آن اشاره می‌کند (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۳۳). نکته‌ی جالب این‌که بعد از این تاریخ در منابع از شهر سیمره به‌عنوان «محل» یاد شده و هیچ اشاره‌ای به شهر و یا محل سکونت نشده است؛ برخی منابع ذکر شده در بالا، اصطلاح «هده» را در توصیف این لرزه به‌کار برده‌اند که بیشتر به معنی - سرو صدای درهم شکستن و فرو ریختن ساختمان‌ها- است تا نشانگر نیرویی باشد که سبب آن شده است (مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۹؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴: ۱۱۹). به‌طور کلی در قرون اولیه‌ی اسلامی ایالت مهرجانقذق از مناطق مهم و از جمله مراکز جمعیتی بوده‌اند، که با توجه به موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ای که داشته در گزارش و نوشته‌های جغرافی نویسان مسلمان، مورخان و سیاحان به‌وفور از این ایالت یاد شده است. با بررسی متون می‌توان به این نتیجه رسید که ایالت مهرجانقذق به تنهایی شهر یا روستایی نبوده است که به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار بگیرد، بلکه بر یک ناحیه‌ی بزرگ اطلاق می‌شده که بر شهرهای سیمره و اریوجان محیط داشته است؛ به‌طوری‌که جغرافی نویسان قرون اولیه‌ی اسلامی سیمره را کرسی و مرکز مهرجانقذق در قرون اولیه‌ی اسلامی دانسته‌اند.

شواهد باستان‌شناختی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، شهر باستانی سیمره همواره در زمینه‌ی کاوش باستان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان از لحاظ معماری و شهرسازی و همچنین داده‌های باستانی، شامل سفال و گچبری فراوانی از آن به‌دست آمده، که در ادامه با توجه به موضوع مورد بحث این پژوهش به آن‌ها اشاره می‌شود. سبک معماری و مصالح مورد استفاده در ساخت این شهر به شیوه‌ی معماری شهرسازی دوره‌ی ساسانی شباهت داشته و به‌نظر می‌رسد از خصوصیات معماری این دوره پیروی کرده است؛ به‌گونه‌ای که شهرسازی و سیستم شهری این شهرها با پیروی از شیوه‌ی شهرسازی گذشته با توجه به رویکردهای مذهب جدید و بناهای متعلق به آن‌ها، منجر به یک نوآوری جدید در ایجاد بناهای مذهبی توسعه و گسترش یافت، که این نوآوری در شکل و ساختار معماری، نشان‌دهنده‌ی نمونه‌های شاخص معماری دوره‌ی ساسانی است؛ همچنین اطلاعات حاصل از سفال‌ها نشان می‌دهد که در بین مجموعه‌ی سفالی به‌دست آمده از این شهر، سفال‌های شاخص دوره‌ی ساسانی که نمونه‌هایی مشابه آن‌ها در بین یافته‌های محوطه‌های دوره‌ی ساسانی که تاریخ‌گذاری مطلق دارند، به‌دست آمده است (تصویر ۳). سفال‌ها تاریخی از دوره‌ی ساسانی تا قرون دوم و سوم هجری قمری را نشان می‌دهد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۵)، (نمودار ۱).

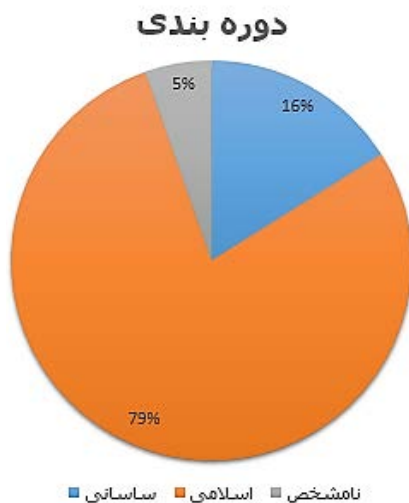
در زمینه‌ی تزئینات معماری می‌توان به گچبری‌های شهر باستانی سیمره اشاره کرد؛ گچبری‌های این شهر، مجموعه‌ای گسترده و ارزشمند از انواع نقوش تزئینی را دربر می‌گیرد که گویا سیر تکاملی و شکل‌گیری نقوش در قالب آثار گچبری است.



► تصویر ۳. سفال‌های مکشوف از شهر باستانی سیمره (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۶۲۴).

به طور کلی، شواهد امر حاکی از آن است در تزئینات گچبری شهر سیمره، در عین حال که از سنت‌های ایرانی پیروی کرده‌اند، تأثیرپذیری فراوانی از الگوی هنر و معماری اسلامی خارج از ایران، از جمله اردن و سوریه داشته و آمیزه‌ای است از این دو هنری که در تزئین بناهای سیمره به کار برده شده است. با توجه به مطالعه و پژوهش‌هایی که بر روی این گچبری‌ها شده، به نظر می‌رسد این گچبری‌ها نمونه‌ی تکامل یافته و گذر از شاهکارهای گچبری دوره‌ی ساسانی به اسلامی است (همان: ۱۰۷)، (جدول ۱).

به طور کلی، در رابطه با علت فروپاشی سیمره، بنا به مدارک و شواهد گزارش شده توسط کاوشگران سیمره (لک‌پور، ۱۳۸۹؛ فریادیان، ۱۳۸۹)، آثار تخریب زلزله در بعضی بناهای کاوش شده به صورت شکاف‌هایی در برخی قسمت‌های بناها قابل مشاهده است؛ مثلاً در بنای بخش C (مسجد) در اتاق C2 واقع در جبهه‌ی شمالی بنا، دو شکاف بزرگ بر روی کف دیده شد که باعث ریزش گچبری‌های این بخش از بنا شده است (تصویر ۴). همچنین در مواردی چرخشی که در آوار سقف اتاق C1 به چشم می‌خورد، یکی دیگر از علائم وقوع زلزله و پیامدهای آن می‌باشد (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲)؛ در هر حال، با اتکا بر مدارک باستان‌شناسی نیز می‌توان تخمین زد که این زلزله از شدت بالایی برخوردار بوده و عامل تخریب سطح وسیعی از بناهای شهر شده است.












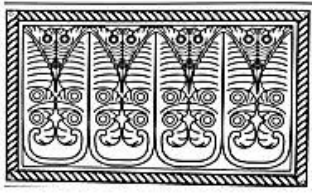
▲ نمودار ۱. دوره‌بندی شهر سیمره بر اساس سفال‌های شاخص آن (سعادت، ۱۳۹۳: ۱۹۶).

اطلاعات زمین‌شناختی

زمین‌لرزه‌ی بزرگ سیمره (کبیرکوه)، یکی از بزرگ‌ترین زمین‌لرزه‌های شناخته

جدول ۱. جدول مقایسه‌ای نقوش تزئینی گچبری‌های شهر باستانی سیمره با محوطه‌های داخل و خارج از ایران (سعادت، ۱۳۹۳: ۲۰۳).

کاتالوگ	گچبری دره شهر (سیمره)	نمونه قابل مقایسه	توضیحات
گچبری شماره ۸			پلاک گچبری در تپه سبز پوشان نیشابور که تزئین گلی را نشان می‌دهد که در قابی مربع شکل محصور است و قابل مقایسه با گچبری شماره ۸ در سیمره است (صالحی کاخکی و اصلانی، ۱۳۹۰: ۹۴).
گچبری شماره ۲۵			قطعه گچبری با نقوش تزئینی برگ مو پهن که مربوط به دوران ساسانی است (Azarnoush, 1994: 152).
گچبری شماره ۱۹			نقوش درخت زندگی در قطعه تزئینی در حاجی آباد فارس که قابل مقایسه با نمونه های دره شهر است و مربوط به دوران ساسانی است (Azarnoush, 1994: 152).
گچبری شماره ۶۰			قطعه گچبری با نقوش گیاهی که دارای تزئینات گلی چهار پر که در تقارن هم قرار دارند (Keall, 1994: 231).
گچبری شماره ۱۶			قطعه ای گچبری از قلعه یزدگرد که دارای نقوش صلیب شکسته است و قابل مقایسه با قسمت نواری در اطراف گچبری شماره ۱۶ در دره شهر است (Keall, 1994: 231).
گچبری شماره ۵			نقش زبر طاق ایوان جنوبی مسجد جامع زواره دارای یکسری نقوش گیاهی است که در کادری محصور است که احتمالاً تکامل یافته بعضی از نقوش گچبری دره شهر است (صالحی کاخکی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).
گچبری شماره ۱۴			تعدادی گچبری متصل به دیوار از تپه میل ورامین که دارای تزئین گیاهی شامل نقوش درخت زندگی است که قابل مقایسه با نمونه هایی در دره شهر است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۲۵۶).

توضیحات	نمونه قابل مقایسه	گچبری دره شهر (سیمره)	کاتالوگ
پلاک گچبری مربع شکل با نقوش تزئینی و موتیف های گیاهی که از دوران ساسانی به دست آمده است (گیرشمن، ۱۳۵۶: ۱۲۲).			گچبری شماره ۴۱
پلاک تزئینی گچبری از بیشاپور فارس که دارای موتیف های گیاهی است و مربوط به دوران ساسانی است (گیرشمن، ۱۳۵۶: ۱۲۳).			گچبری شماره ۴۳
پلاک گچبری مربع شکل با نقوش و موتیف های گیاهی از بیشاپور فارس که قابل مقایسه با گچبری شماره ۳۱ در دره شهر است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۸۵).			گچبری شماره ۳۱
پلاک تزئینی گچبری از بیشاپور فارس که دارای نقوش و موتیف های تزئینی گیاهی است که مربوط به دوران ساسانی است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۸۴).			گچبری شماره ۳۵
پلاک مدور گچبری از بیشاپور که دارای نقوش گیاهی شامل برگ مو پهن است، که مربوط به دوران ساسانی است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۳۶).			گچبری شماره ۲۱
قالب گچبری از چال ترخان ری که از نظر نقوش گیاهی و خوشه های انگور قابل مقایسه با نمونه مشابه آن در دره شهر است (Tompson, 1976: 125).			گچبری شماره ۴۵
قطعه گچبری از تپه حصار دامغان که دارای نقوش گیاهی و مربوط به دوران ساسانی است (Schmidt, 1937: 245).			گچبری شماره ۴۴

کاتالوگ	گچبری دره شهر (سیمره)	نمونه قابل مقایسه	توضیحات
گچبری شماره ۶۷			قطعات گچبری دارای نقوش گیاهی شامل برگ گیاه کنگر و پیچک های مختلف که از محوطه برج رسکت به دست آمده است (عابدینی عراقی، ۱۳۸۶: ۲۷۳).
گچبری شماره ۴۸			بریده هایی از تزئینات گچبری کاخ المشتی وجود دارد که با گل و گیاه آراسته شده است که قابل مقایسه با نمونه های گچبری در دره شهر است (گرایر، ۱۳۷۹: ۷۸).
گچبری شماره ۷۹			گچبری از کاخ المشتی که نقش گلی را نشان می دهد که در میان برگ های مو پهن قرار دارد و با گچبری شماره ۷۹ دره شهر قابل مقایسه است (گرایر، ۱۳۷۹: ۷۸).
گچبری شماره ۳۴			قطعه ای مدور با نقش گل روزت از تیسفون (که از فراوان ترین نقوش دوره ساسانی است) به دست آمده که قابل مقایسه با نمونه های دره شهر است (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۵۶).
گچبری شماره ۷۶			قاب بند چهار گوش از خربه المنجر که دارای تزئین با برگ های کنگره است که هر یک از فواصل با یک نیم برگ نخلی پر شده است. قابل مقایسه با نمونه های مشابه در دره شهر است (ایروین، ۱۳۸۹: ۱۵۲).

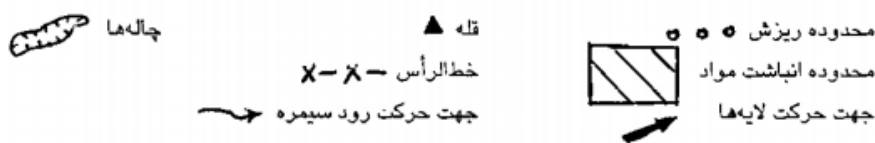
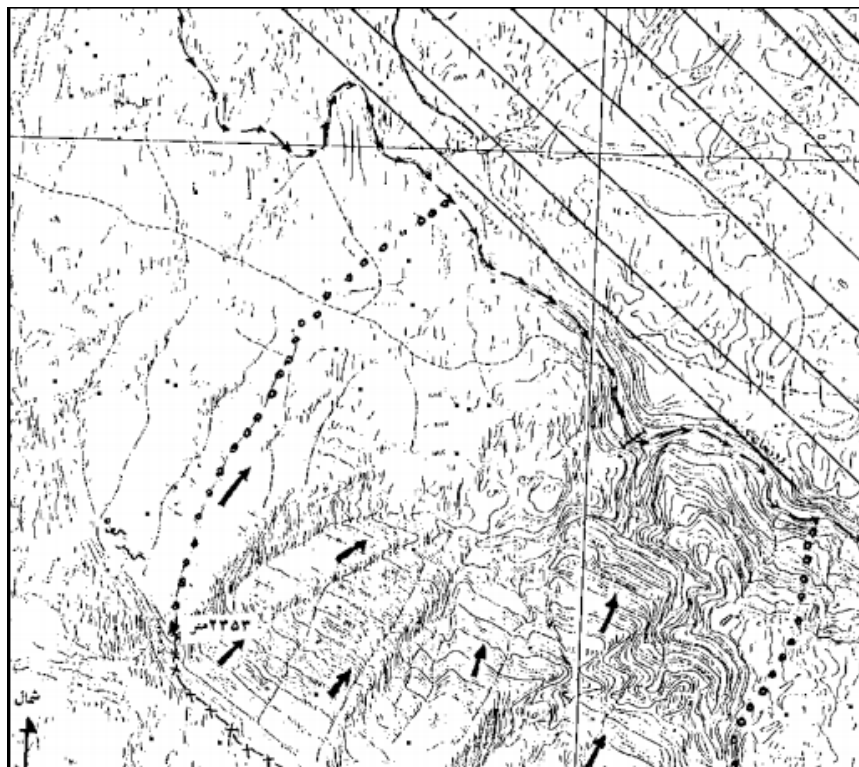
شده در رشته کوه زاگرس بوده که به علت وسعت ابعاد و ویژگی های خاص خود، تاکنون توجه دانشمندان متعددی را به خود جلب کرده است. ابعاد این لغزش به حدی است که برخی از مطالعه کنندگان، به آن لقب «بزرگ ترین زمین لرزه ی شناخته شده در روی زمین» را اطلاق کرده اند (Bloom, 1978: 185)؛ و برخی آن را «بزرگ ترین لغزش در نیم کره شرقی می دانند» (Fisher, 1968: 190). محل وقوع جغرافیایی این لغزش در جنوب شرقی استان ایلام و در مرز استان لرستان، به مختصات جغرافیایی: ۰ دقیقه و ۳۳ درجه تا ۱۵ دقیقه و ۳۳ درجه ی عرض جغرافیایی شمالی و ۳۰ دقیقه و ۴۷ درجه تا ۴۰ دقیقه و ۴۷ درجه ی طول جغرافیایی



▲ تصویر ۴. پلان مسجد سیمره (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۳)، قسمت‌های قرمز رنگ نشان‌دهنده‌ی محل‌هایی است که بقایای زلزله در آن‌ها قابل مشاهده است.

شرقی، است (شایان، ۱۳۸۳: ۴۶). ویژگی‌های زمین‌شناختی منطقه وقوع لغزش روی نقشه به مقیاس ۱:۱۰۰۰/۰۰۰ زمین‌شناسی جنوب‌غرب ایران که در سال ۱۹۶۹ م. از سوی شرکت ملی نفت ایران با راهنمایی هوبر تهیه و در سال ۱۹۷۵ م. چاپ و منتشر شده است، قابل بررسی است (Huber, 1975: No.4); همچنین گستره‌ی جغرافیایی منطقه وقوع لرزه را می‌توان به کمک نقشه‌ی توپوگرافی به مقیاس ۱:۵۰/۰۰۰ پل دختر که در سال ۱۳۵۵ ه.ق. از سوی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ایران انتشار یافت مورد بحث و بررسی قرار داد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۵۵)، (تصویر ۵).

براساس آخرین مطالعات زمین‌شناسی، زلزله و زمین‌لغزش سیمره به‌عنوان بزرگ‌ترین زمین‌لغزش دنیا شناخته شده و باعث تغییرات محیطی و انسانی در دره‌ی سیمره شده است. بر این اساس زمین‌لغزش مذکور در چهار مرحله از دوره‌ی پارینه‌سنگی میانی تا دوران اسلامی رخ داده است (شرفی و صادقی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۶). وقوع زمین‌لرزه‌های مکرر طی دوران اسلامی عامل تخریب و محوطه‌ها و جابه‌جایی استقرارهای این دوره است. محدوده‌ی پراکنش محوطه‌های این دوره، با اندکی افزایش نسبت به ادوار پیشین، همچنان تمام حوزه‌ی دره‌ی سیمره و ارتفاعات مشرف بر آن در دو سمت رودخانه‌ی سیمره است. بررسی شواهد ژئومورفولوژی در رابطه با قدمت پدیده‌ی لرزش سیمره نشان می‌دهد که، مستندات و شواهد ژئومورفولوژی زمان وقوع ذکر شده به‌وسیله‌ی طبری با اندکی ملاحظه برای تعیین سن مطلق وقوع لرزه‌ی سیمره قابل استفاده باشد؛ به‌گونه‌ای که طبری اشاره می‌کند، در ۱۱ شعبان سال ۲۵۸ ه.ق. زمین‌لرزه‌ای در ادامه‌ی زلزله‌ی روز قبل اتفاق می‌افتد. زلزله‌ای که در عراق، واسط و بصره نیز پس‌لرزه‌های احساس شده است (طبری، ۱۳۵۳: ۲۵۳). به‌طور کلی، مطالعات



تصویر ۵. محدوده لغزش سیمره روی نقشه‌ی توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰ پل دختر (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح).

زمین‌شناسی انجام شده بر روی گسل‌های منطقه نیز نشان‌دهنده‌ی میزان شدت بالای زلزله بوده که خود باعث تخریب سطح وسیعی از بناهای شهر شده است. به‌طور کلی مطالعات زمین‌شناسی مشخص کرده است، منطقه‌ای که شهر باستانی سیمره در آن قرار دارد بر روی خط زلزله قرار گرفته و به دلیل وجود سنگ‌های گچی و آهکی در ساختار آن و فرسایش درونی صخره‌ها در اثر بارش‌های متوالی، از نظر پایداری کم در مقابل لغزش‌های حاصل از فرسایش‌های طبیعی و نداشتن مقاومت کافی در برابر لرزش‌های ناشی از زلزله‌های متعدد در طول تاریخ، صدمات شدیدی به آن وارد شده که در متون تاریخی جسته‌وگریخته به این حوادث اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

براساس کاوش‌های باستان‌شناسی صورت‌گرفته در شهر باستانی سیمره و داده‌های باستانی، اعم از سفال و گچبری، تاریخ پیدایش و تأسیس این شهر به دوره‌ی ساسانی بازمی‌گردد و در ادامه با ورود اسلام، مورد استفاده قرار گرفته است. به‌طور کلی دلایل فروپاشی و متروک شدن این شهر را می‌توان از سه دیدگاه مطالعات

زمین‌شناسی، متون تاریخی و جغرافیایی و کاوش‌های باستان‌شناسی مورد مطالعه قرار داد. از دیدگاه مطالعات زمین‌شناسی، مشخص گردید که منطقه‌ای شهر باستانی سیمره بر روی خط زلزله قرار داشته و وقوع زلزله و میزان شدت آن بر طبق متون تاریخی نیز تأیید شده است. در زمینه‌ی مبحث باستان‌شناسی از لحاظ شهرسازی و معماری و داده‌های باستان‌شناسی از جمله سفال، مشخص گردید که اساس شهرسازی و معماری در این شهرها از دوره‌ی ساسانی شروع می‌شود؛ همچنین اطلاعات حاصل از سفال‌ها نشان می‌دهد که در بین مجموعه‌ی سفالی به دست آمده از این شهر، سفال‌های شاخص دوره‌ی ساسانی که نمونه‌هایی مشابه آن‌ها در بین یافته‌های محوطه‌های دوره‌ی ساسانی که تاریخ‌گذاری مطلق دارند، به دست آمده است. سفال‌ها تاریخی از دوره‌ی ساسانی تا قرون دوم و سوم هجری قمری را نشان می‌دهد. دیگر داده‌ی مهم باستان‌شناسی در شهر باستانی دره‌شهر که به تحلیل و نتیجه‌ی این پژوهش کمک فراوانی داشته، تزئینات گچبری می‌باشد؛ با توجه به مطالعه و پژوهش‌های صورت‌گرفته بر روی این گچبری‌ها، به نظر می‌رسد این گچبری‌ها نمونه‌ی تکامل یافته و گذر از شاهکارهای گچبری دوره‌ی ساسانی و قرون نخستین اسلامی است. همچنین با استناد به اشارات کاوشگران سیمره، آثار تخریب زلزله در بعضی بناهای کاوش شده، از جمله بنای بخش C در اتاق C2 به دست آمده است؛ همچنین در مواردی چرخشی که در آوار سقف اتاق C1 به چشم می‌خورد، یکی دیگر از علائم وقوع زلزله و پیامدهای آن می‌باشد. با بررسی این سه دیدگاه، این نتیجه به دست آمد که این شهر در اثر زلزله‌ای که در سال ۲۵۸ ه.ق. با ایجاد خسارت‌ها و ویرانی‌های فراوان از بین رفته است. با این وجود، ساکنین شهر سیمره بعد از وقوع زلزله در سده‌ی سوم هجری، شهر تخلیه شده و تا قرن‌ها متروک باقی مانده و به کلی زندگی شهری از آن رخت بر بسته تا این که در سده‌های اخیر و به دلیل یکجانشینی تدریجی عشایر منطقه، شهر جدیدی در جوار ویرانه‌های شهر کهن برپا می‌شود.

به طور کلی، متون تاریخی از سیمره به عنوان مرکز ایالت مهرجان‌نقدق در دوره‌ی ساسانی یاد کرده و به اهمیت و نقش مهم آن در دوره‌ی مذکور اشاره می‌کنند. شواهد و داده‌های باستان‌شناسی سیمره نیز نشان می‌دهد که سیمره از دوره‌ی ساسانی به بعد، نقش مهمی داشته و همچنین حاکی از استمرار حیات این شهر تا دوره‌ی صدر اسلام می‌باشد. این شهر در دوره‌ی اسلامی با تأثیر از بافت دوره‌ی ساسانی حیات خود ادامه داده است و با توجه موقعیت استراتژیکی منطقه و دادوستد اقتصادی که با مناطق دیگر از جمله خوزستان، به خصوص شوش و بین‌النهرین (سامرا) و سیراف داشته است، به رشد و شکوفایی می‌رسد.

سپاسگزاری

در پایان لازم می‌دانیم از خانم سیمین لک‌پور (کاوشگر شهر سیمره) به دلیل در اختیار قراردادن داده‌های کاوش و همچنین راهنمایی‌ها و کمک‌های بی‌دریغ ایشان، کمال قدردانی و تشکر را ابراز بداریم.

پی‌نوشت

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد محسن سعادت‌ی با عنوان: «ویژگی‌های شهرسازی دوران تاریخی استان ایلام؛ مکانیزم گذر از دوران تاریخی به دوران اسلامی» در گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران می‌باشد.
۲. در زبان محلی به نام «گردنه‌ی آفتاب».
۳. متأسفانه دموورگان هیچ‌گونه مدرکی برای اثبات این نظریه ارائه نداد و در کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی هم مدرکی دال بر تأیید این نظریه به‌دست نیامده است.

کتابنامه

- ابن‌اثیر، عزالدین، ۱۳۷۴، تاریخ کامل. ترجمه‌ی محمدحسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن‌حوقل، ۱۳۴۵، صورةالارض. ترجمه‌ی جواد شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌رسته، ابوعلی احمد بن عمر الفارسی الاصفهانی، ۱۳۶۵، الاعلاق‌النفسیه. ترجمه و تعلیق: حسین قره‌چانلو، تهران: نشر امیرکبیر.
- ابن‌فقیه، ۱۳۷۹، البلدان. بیروت: عالم‌الکتاب.
- اشمیت. اریک، ۱۳۷۶، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران. ترجمه‌ی آرمان شیشه‌گر، تهران: نشر سازمان میراث‌فرهنگی (پژوهشگاه).
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک‌الممالک. به‌اهتمام: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- البلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۳۷، فتوح‌البلدان. ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ.
- اهلرز، اکارت، ۱۳۷۲، مبانی یک کشورشناسی جغرافیایی. ترجمه‌ی محمدتقی رهنمائی، تهران: مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
- حموی، یاقوت، ۱۳۸۰، معجم‌البلدان. ترجمه‌ی علی‌نقی منزوی، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- دموورگان، ژاک، ۱۳۳۹، جغرافیای غرب ایران. ترجمه‌ی کاظم ودیعی، تبریز: انتشارات چهر.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، ۱۳۶۴، اخبارالطول. ترجمه‌ی محمود مهدوی‌دامغانی، تهران: نشرنی.
- راولینسون، سرهنری، ۱۳۶۲، گذر از ذهاب به خوزستان. ترجمه‌ی سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۵۵، نقشه‌ی توپوگرافی ۱:۵۰/۰۰۰ پل‌دختر، برگ III-5556 از سری K-753، تهران.
- سعادت‌ی، محسن، ۱۳۹۳، «ویژگی‌های شهرسازی دوران تاریخی استان ایلام، مکانیزم گذر از دوران تاریخی به دوران اسلامی». پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران.
- شایان، سیاوش، ۱۳۸۳، «شواهد ژئومورفولوژی در سن‌سنجی زمین‌لغزه‌ی بزرگ سیمره زاگرس، جنوب‌غرب ایران». فصلنامه علوم انسانی مدرس، دوره هشتم، شماره‌ی ۱، صص: ۷۰-۴۵.

- Keal, E. J., 1982, "The Qaleh Yazdigird Pottery, Journal of the British".
Institute Persian Studies, London, vol. xx. pp 51-72.
- Thompson, D., 1976, *Stucco from Chal Tarkhan- Eshqabad, Near Rayy*.
Aris and Phillips LTD, London.